



۲۰۱۷/۱۷/۰۳

جلیل غنی هروی

سی و هشتمین سالگرد قیام هرات

سه شنبه گذشته ۱۴ مارچ مصادف بود با ۲۴ حوت ۱۳۵۷، سی و هشتمین سالگرد قیام گلگون کفنان و حماسه آفرین مردم هرات. به روح تمام شهدای این روز و همه شهدای که در جریان قیام ملت افغانستان در برابر حکومت تحت الحمايه شوروی وقت و حضور قشون سرخ و متجاوز آن کشور در افغانستان جام شهادت نوشیدند درود می فرستیم و به پیشگاه شان محترمانه سر تعظیم فرود می آوریم. کودتای حزب دمو کراتیک خلق در هفتم ثور ۱۳۵۷ سر آغاز مصیبت ها، خونریزی ها، قتل های دسته جمعی، زندانی کردن ها، زنده به گور کردن ها، ویرانی ها و از بین بردن تمام شیرازه های نظام سیاسی، اقتصادی و همه شئون حیات اجتماعی و فرهنگی در افغانستان بود.

قیام بیست و چهارم حوت ۱۳۵۷ هرات از روستا های اطراف شهر آغاز و به شهر رسید. این یک قیام خود جوش به معنی واقعی آن بود و از قریه سلیمی در ولسوالی گذره، و ولسوالی های غوریان و زنده جان، کرخ و رباط سنگی آغاز شد. این قیام نه رهبری داشت و نه پیشوائی، نه امیری و نه قوماندانی و نه در پی دستاویز و اجازه ای بود برای این قیام، نه تنظیمی دران دست داشت و نه رهبری و نه گروهی از افراد. فقط به معنی واقعی کلمه خود جوش بود. در مدت شش روز، بین بیست تا بیست و پنج هزار فدائی سر سپرده راه حق و عدالت صادقانه و با خلوص نیت و ایمان داری، برای حفاظت و حراست از مقدسات و فرهنگ و عنعنات و ارزشهای والای عقیدتی و ملی شان، برای مقاومت در برابر سیاست ها و اهانت های حکومت کمونیستی و برای انجام وجیبه دینی و ملی شان جام شهادت نوشیدند.

این قیام بر علیه نظام الحادی و خونخوار حزب دمو کراتیک خلق و بی حرمتی و بی عدالتی و استبداد و قتل و خونریزی و ویرانی معنوی و فیزیکی افغانستان و تجاوز بر نوامیس ملی و اعتقادات، عنعنات و فرهنگ اصیل و بومی مردم متدین و باور مند به ارزش های والای انسانیت و افغانیت بود.

از بیش از یک میلیون شهید گمنامی تجلیل و بزرگداشت میکنیم و بر روح پاک و ملکوتی آنها اتحاف دعا می نمائیم که نام اکثریت آنها در هیچ جایی، هیچ نوشته ای، هیچ اثری و هیچ سندی برده نشده و به معنی واقعی و حقیقی کلمه گمنام در راه حراست و دفاع از ایمان و عقیده و دفاع از اعتقادات پاک و بی آلابش شان جام شهادت نوشیده اند. جز سینه پُر درد عزیزان شان، نزدیکان و خانواده های به غم نشسته که سیمای ملکوتی و اسمای مبارک این شهدا دران حک شده، نامی و نشانی از آنها دیده نمی شود.

در جهان هم رسم بر اینست که همواره زمانی که از سربازان سابقه و کشته شدگان جنگ های آزادی خواهی و یا هر جنگی دیگر وطن خواهانه و دفاع از نوامیس ملی و تمامیت ارضی یاد بود به عمل می آید، بر آبدۀ بنام " سپاهی گمنام" گل گذاری می شود، نه بر مقبره یک قوماندان جبهه، وزیر جنگ و یا رئیس جمهور و یا سلطان و امیر همان زمان.

هرات، پرورشگاه و زیستگاه علما و فضیلائی پر افتخار و نام آوری چون: خواجه عبدالله انصاری، مولانا عبدالرحمن جامی، امام فخرالدین رازی، کمال الدین بهزاد، سلطان حسین بایقرا، وزیر معروف و دانشمند او امیر علی شیر نوایی، میرعلی هروی، خوش نویس مهم سده دهم دربار سلطان بایقرا، ملکه گوهرشاد بیگم، خواجه محمد ابوالولید واعظ، خواجه غلطان ولی، ابو عبدالله هروی، معین الدین شاهرخ، غیاث الدین نقاش، شاه عباس یکم، مولانا سفنج، خواجه محمد تاکی، فوشنجی هروی، خواجه موفق هروی، ملا واعظ کاشفی، سیدای کرخی، سیفی هروی، مورخ معروف دوره تیموریان (میرخواند)، علامه استاد صلاح الدین سلجوقی، علامه استاد فکری سلجوقی، استاد محمد سعید مشعل احیا کننده مکتب میناتوری استاد کمال الدین بهزاد، شاعر، نویسنده، خوش نویس و ادیب و ده ها شخصیت نامدار دنیای علم و هنر و فرهنگ و فلسفه وده ها دانشمند و ادیب و هنر مند نویسنده دیگر است.

هرات بستر مناسب تلاقی تمدن های شرق و غرب و هرات شهر قیام و خو، پاسدار فرهنگ و علم و هنر اصیل و تاریخی افغانستان باستان و منطقه.

دروود به آن سر بازانی که بدون چشم داشت و حرص مقام و چوکی و پول و جاه و منال و ثروت و نام دران قیام و در مبارزه بی امان و پی گیر برای نجات وطن و وطن دران از یوغ استعمار سرخ و حکومت ظالم و غدار نه تنها وطن و وطنداران را نجات دادند بلکه الهام بخش جریانهای آزادی دوست و استقلال طلب تا اروپای شرقی گردیدند و در سقوط نظام کمونیستی و رژیم مستبد و استعمار گر سرخ نقش کلیدی ایفا نمودند.

و نفرین بر آنانیکه با خون این شهدای راستین معامله نمودند و برای جاه و مال و منال و ثروت و مقام به زر اندوزی و زیر پا نمودن آرمانهای والای قربانیان نخستین قیام در هرات و قیام های بعدی در سر تاسر افغانستان پرداختند و حتی معامله گران هنوز هم این جهاد راستین ملت افغانستان را گروگان گرفته و خود را بر گرده این ملت مظلوم و بلا دیده تحمیل میکنند و جز منافع شخصی و گروهی به منفعتی دیگری فکر نمی کنند.

این یاد بود برای آن مجاهدین و قیام کنندگان هرات و سایر مناطق افغانستان است که گم نام قیام نمودند و گم نام قربانی دادند نه برای آنانیکه به نام جهاد در جست و جو و کسب نام و شهرتی شدند.

استاد خلیل الله خلیلی، هرات زیبا را با همه مفاخر تاریخی آن، همه نخبگان علم و هنر و فرهنگ و مرکز مدنیت های با شکوهی که درخشش آن تا اقصی نقاط منطقه را نور بخشید و به رنساس شرق شهرت یافت، به چنان زیبایی و عظمت و صلابتی که خاصه نبوغ شعری و ادبی خلیلی بود، تحت عنوان « پیام به دوستان هرات » به تصویر کشیده است. این قطعه زیبا بیانگر آلام و مصیبت های آن دیار است به یاد آن قربانیانی که گم نام قیام نمودند و جوان مردانه و با شهامت و شجاعت بی نظیر در راه دفاع از نوامیس ملی، اعتقادات، فرهنگ و اصالت های اجتماعی و اخلاقی شان جان فدائی نمودند و همان گونه گم نام جام شهادت نوشیدند و تا امروز هم همانگونه گم نام ولی با همه افتخارات و سعادت که یک انسان متعهد می تواند داشته باشد به خواب ابدی رفتند. روح شان

شاد و یاد شان گرامی باد. این قطعه را استاد خلیل الله خلیلی به جواب در یافت نامه ای از هرات و خاطرات آن پیام آورنده درد مند، نگاشته است.

پیام به دوستان هرات

رسید قاصد و پیغام دوستان آورد
سفیر دوست ز دستم گرفت و گام زنان
مرا رساند شتابان به کاخ عدنانی
یمین ملت و دین شاه بت شکن محمود
سپس گرفت ره مسند غیاث الدین
ز دور داد بمن جلوه تخت شاهرخی
بسوی مرقد سلطان حسین بایقرا
ز خوابگاه مهین خواجه الهی گوی
برای خاطر رنجور این فلک زدگان
سس نمود مرا جانب خیابان ره
ز خاک جامیم از بهرگردن اخلاص
هنوز طی نشده راه من که قاصد یار
بشهر ماتم و صحرای داغ و وادی اشک
ز قتل و غارت و آدمکشان وحشی روس
به سوز گفت چنان قصه مظالم حوت
به جای لاله و نسرین ز گلزمین هرات
ز پیچ و تاب هریرود جای خنده موج
به یاد قامت یاران تر به خون گشته
به شامگاه نگارین لعل اندودش
بدشت دشت زه شهنامه شهیدان گفت
ز جان سپرده عروسان ماه سیمایش
ز کودکان یتیم گرسنه عریان
ز برق تیغ جوانان جنگ جویش گفت

خجسته نامه ز یاران مهربان آورد
به کوچه کوچه تاریخ باستان آورد
به بار گاه خدیو جهان ستان آورد
که قبه علمش سر به آسمان آورد
شهی که چرخ نظیرش نمی توان آورد
به بارگاه شهنشاه شه نشان آورد
به درسگاه نگارش گر جهان آورد
هزار ماه و ستاره به ارمغان آورد
ز خاک درگه وی کیمیای جان آورد
به پای بوس بزرگان راه دان آورد
چه تحفه ها که ز زنجیر زرنشان آورد
از آن بهشت به دریای خون کشان آورد
بسوی مسلخ اهریمن زمان آورد
چه شرم بار سخنها به داستان آورد
که شعله ام به جگر آتشم به جان آورد
گل مزار به خون سرخ کشتگان آورد
گریو کودک و فریاد مادران آورد
هزار منظره از شاخ ارغوان آورد
به خون شیر دلان نقش جاودان آورد
به شهر شهر ز ویرانه ها نشان آورد
حکایتی که از آن سوخت، مغزجان آورد
فجایعی که نیاید سر زبان آورد
که روز معرکه صد ماه و کهکشان آورد

فدای همت آن مادری که دامن وی بروز گار چنین قوم قهرمان آورد

خدا شناس و وطن خواه مردمی کز خشم به لرزه پشت ابر قدرت جهان آورد
ز خوابگاه شهیدان لاله گون کفنش چراغ ها چو درخشنده اختران آورد

خوشا به دانش قومی که در دل سنگر
جدا ندیده کسی " ذوالفقار " از " خیبر "
دو هم دلدن و برادر هرات با پنجشیر
امین خرقة دوشهر است قندهار و هرات
یکیست نعره تکبیر در دل کهسار
صدای بلخ و بدخشان صدای گردیز است
خوشم ز عهد و داد امیر اسماعیل
پی تفقد پروانگان سوخته بال
به فصل پیری من شعر نغز رنگینش
به پاس چشم گهر بار اشک آلودم
به مرغ بی پر و بال ز آشیان مهجور
خجالتی که مرا آب می کند اینست
نه قدرتی که نهم پای خویشرا به رکاب
ز دور گرم شوم در شراره دگران
گذشت عمر شده مانع که می گویند

ز اتحاد مثالی به دیگران آورد
اگرچه دشمن صدرخنه در میان آورد
قسم به آنکه بهار و دی و خزان آورد
خوش آن دیار که تعظیم خرققان آورد
چه شیر غزنه چه شهباز بامیان آورد
بدا کسی که تفاوت به این و آن آورد
که یاد از این دل محزون نا توان آورد
پیام " مشعل " رخشان قدر دان آورد
چمن چمن گل و نسیرین و ضمیران آورد
چکامه ئی گهر اندود و گلفشان آورد
به یاد گار، نشانی ز آشیان آورد
که سیل پیری در پیکرم زیان آورد
نه طاقتی که توان دست در عنان آورد
مذلتی است که شرم است در بیان آورد
درخت خشک نباید به بوستان آورد

پایان